

# سیری در زندگانی امام اول شیعیان

عبدالمجید ناصری\*

## روزنه

همه قرون و اعصار و یگانه انسانیت دانست. نوشتار ذیل سیری گذرادر حیات علمی و تربیتی آن حضرت دارد که امید است معرفت و بهره مندی بیش تر از راه و رسم علوی را برای خوانندگان به ارمغان آورد.

ابعاد گوناگون و قابل تأسی مردان بزرگ با گذشت تاریخ، بهتر روشن می گردد و شگفتی های کارنامه آنان با پیشرفت علم و جوامع بشری، برتری و جاویدانگی شخصیت آنان را به نمایش می گذارد.

## نام و نشان

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف در روز جمعه ۱۳ رجب سال سی ام عام الفیل برابر با ۱۹ مهر در شهر مکه و درون کعبه چشم به جهان گشود. پدرش ابوطالب، که نامش عبدمناف بود، یکی از اعمام پیامبر اکرم حضرت محمد ﷺ بود که بزرگ خاندان هاشم و یکی از سران مکه و قریش به شمار می رفت. مادرش فاطمه

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام یکی از فرزندان تاریخ، بلکه یگانه فرزانه و بزرگ مردی است که نامش در صدر مردان نامی تاریخ قرار گرفته و با گذشت قریب چهارده قرن از شهادت وی، همچنان شاهد اقبال روزافزون بشر به شناخت آن ابرمرد علم و عمل و کندوکاو جوانب گوناگون شخصیت و ویژگی های وی هستیم؛ چنان که به جرأت می توان او را مردی نامتناهی و رهبر

\*. عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، قم.

دلیل تنگ‌دستی پدر و بروز قحطی، به دعوت حضرت پیامبر ﷺ به خانه وی منتقل شد و تحت تعلیم، سرپرستی و تربیت مستقیم ایشان قرار گرفت. (۴)

### تعلیم و تربیت

امام علی علیه السلام داستان انتقال خود به بیت رسالت را به خاطر آورده، از پیوند تاریخی و اختصاصی خود با پیامبر این‌گونه یاد می‌کند: «شما می‌دانید که مرا نزد رسول خدا چه رتبت است و خویشاوندی‌ام با او در چه نسبت است. آن‌گاه که کودک بودم، مرا در کنار خود می‌نهاد و بر سینه خویش جا می‌داد و مرا در بستر خود می‌خوابانید؛ چنان‌که تنم را به تن خویش می‌سود و بوی خوش خود را به من می‌بویانید. و گاه بود که چیزی را می‌جوید و سپس آن را به من می‌خورانید. از من دروغی در گفتار نشنید و خطایی در کردار ندید ... و من در پی او بودم - در سفر و حضر - چنان که شتر بچه در پی مادر. هر روز برای من از اخلاق خود نشانه‌ای بر پا می‌داشت و مرا به پی‌روی آن می‌گماشت. هر سال در حراء خلوت می‌گزید؛ من او را می‌دیدم و جز من کسی او را نمی‌دید. آن هنگام که جز خانه‌ای که

بنت اسد نیز از دودمان هاشم بود. از این‌رو، آن حضرت از دو طرف به هاشم می‌رسد و هاشمی به حساب می‌آید. (۱)  
کنیه آن امام، ابوالحسن است و «ابوتراب» نیز خوانده شده. القاب فراوانی از وی گزارش شده که از جمله می‌توان به اسدالله (شیرخدا)، سید عرب (امیر عرب)، سیدالمسلمین، امام المتقین و مهم‌تر از همه امیرالمؤمنین اشاره کرد. شیعیان لقب اخیر را بنا بر نص پیامبر ﷺ مخصوص آن امام دانسته و به کارگیری آن را، حتی برای سایر معصومان علیهم السلام، مجاز نمی‌دانند. (۲)

آن حضرت هنگامی پا به عرصه گیتی گذاشت که پدرش در سفر بود و مادرش اسم او را حیدر نهاد. پدر پس از بازگشت، نام وی را تغییر داد و «علی» نامید. (۳) او، که در خاندان با اصالت و کرامت و فرهنگ عرب متولد شده بود، معلمان نخستین‌اش پدر و مادرش بودند که سال‌ها قبل برای مدتی نسبتاً طولانی سرپرستی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر عهده داشتند. آگاهی‌های لازم از جمله کتابت را در خانواده آموخت، سرگذشت اقوام، ملل و پیامبران گذشته را از آنان و سایر آگاهان فرا گرفت و طولی نکشید که به

خاک نسایید. وی نخستین کسی بود که از میان مردان به پیامبر ایمان آورد و ندای توحیدی و نجات بخش او را لبیک گفت. (۶)

آن حضرت در زمان اسلام آوردن، قریب ده سال سن داشت و در تمام سیزده سال دعوت پیامبر در مکه، در خانه وی زندگی می کرد و این توفیقی استثنایی و فرصتی طلایی برای او شمرده می شد که نه تنها بیش از دیگران از پیامبر حدیث بشنود، بلکه آیات نازلۀ قرآن کریم و شأن نزولها و تبلیغ و تفسیر آنها را بدون واسطه و از نزدیک فراگیرد.

#### اولین انتساب به جانشینی

دعوت پیامبر ﷺ در سه سال نخست بعثت در مکه به گونه ای پنهان انجام می گرفت و چون آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: ۲۱۴) نازل شد، پیامبر به علی علیه السلام فرمود: «خداوند مرا فرموده است خویشاوندان نزدیکم را به پرستش او بخوانم؛ گوسفندی بکش و صاعی نان و قدحی شیر فراهم کن.» علی علیه السلام چنان کرد. آن چهل تن (با نزدیک چهل تن) از فرزندان عبدالمطلب فراهم آمدند و همگی از آن خوردنی سیر شدند. اما

رسول خدا ﷺ و خدیجه در آن بودند در هیچ خانه ای مسلمانی راه نیافته بود، من سومین آنان بودم. روشنایی وحی و پیامبری را می دیدم و بسوی نبوت را می شنودم.

من هنگامی که وحی بر او ﷺ فرود آمد، آوای شیطان را شنیدم. گفتم: ای فرستاده خدا، این آوا چیست؟ گفتم: «این شیطان است که از آن که او را نپرستند نومید و نگران است. همانا تو می شنوی آنچه را من می شنوم و می بینی آنچه را من می بینم، جز این که تو پیامبر نیستی و وزیری و به راه خیر می روی، و مؤمنان را امیری.» (۵)

پیامبر اکرم ﷺ بزرگ ترین و اختصاصی ترین معلم و مربی او بود و بر اخلاق و سجایای علمی - انسانی وی تأثیر فراوان گذاشت؛ همان گونه که پیامبر از همان اوان نوجوانی در صداقت زبانش همگان بود و مردم به او لقب «امین» دادند، امام نیز - چنان که خود اشاره نمود - همواره به صدق رفتار می کرد. در برابر فرهنگ غالب جاهلی، که شاخصه مهم آن را بت پرستی و اوهام گرایی تشکیل می داد، امام علی علیه السلام سرتسلیم فرود نیاورد و هرگز در برابر بت، پیشانی به

این اولین رویداد مهم اسلامی بود که طرح جانشینی علی علیه السلام را برای پیامبر - هر چند در محدوده بنی هاشم - آشکار ساخت و به خوبی هم شایستگی و آمادگی او را برای این مسئولیت سنگین و نیز نظر رضایت پیامبر را از او نشان داد. این تنها نبود، علی علیه السلام همواره یار و همکار رسول خدا بود و پیوسته، بخصوص در مواقع خطر و شرایط دشوار، از آن حضرت پشتیبانی و دفع خطر می نمود.

#### حمایت از پیامبر

ابن ابی الحدید از امام محمد بن حیب نقل می کند: «ابوطالب بر جان پیغمبر می ترسید. بسا شب هنگام نزد بستر او می رفت و او را بر می خیزانید و علی را به جای وی می خواباند.

شبی علی گفت: من کشته خواهم شد. ابوطالب در چند بیت بدو چنین گفت: پسر! شکبیا باش که شکبیایی خردمندانه تر است و هر زنده ای می میرد. بلایی است دشوار، اما خدا خواسته است دوستی فدای دوستی شود؛ دوستی والاگهر، کریم و نجیب. اگر مرگی رسید، تنها برای تو نیست؛ هر زنده ای می میرد.

همین که رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست سخنان خود را آغاز کند، ابولهب گفت: «او شما را جادو کرد» و مجلس به هم خورد. روز دیگر پیغمبر صلی الله علیه و آله آنان را فراخواند و فرمود: «ای فرزندان عبدالمطلب، گمان ندارم کسی از عرب برای مردم خود بهتر از آنچه من برای شما آورده ام، آورده باشد؛ دنیا و آخرت را برای شما آورده ام.»

سپس دعوت از خویشاوندان را برای پذیرش اسلام اظهار نمود و از آنان برای تبلیغ اسلام در بین سایر مردم یاری طلبید و گفت: کدام یک از شما مرا در این کار کمک می کند تا برادر و وصی من و خلیفه من در میان شما باشد؟ در حالی که همه مهر سکوت بر لب زده بودند، علی علیه السلام قیام کرد و گفت: «ای رسول خدا، آن منم.»<sup>(۷)</sup>

بنا به بعضی گزارش ها، پیامبر سه بار از بنی هاشم یاری طلبید و همکار خود را نوید جانشینی و امامت داد و در هر بار، کسی جز علی علیه السلام از میان آنان اعلام آمادگی نکرد. سرانجام، پیامبر رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: «این وصی من و خلیفه من در میان شماست. سخن او را بشنوید و از او متابعت کنید.»<sup>(۸)</sup>

بود که جدایی وی از پیامبر در زمان هجرت، افزون بر محافظت از پیامبر، رسالت سنگین ادای امانت‌های مردم را که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشت، بر دوش او نهاده بود. (۱۰)

او در جریان ساختن مسجد، که پایگاه بی‌بدیل عبادی، علمی، فرهنگی، سیاسی و نظامی در صدر اسلام بود، مشارکت جدی داشت و در جریان اجرای طرح مؤاخات بین مهاجران و انصار، طی پیمانی با پیامبر برادر گردید. این پیوند هشتم پس از هجرت و در ذی‌قعدة سال اول هجری (اردیبهشت یا خرداد) در مدینه به وقوع پیوست.

### جنگاوری

امام اول شیعیان هنوز بیش از ۲۴ سال از عمرش سپری نشده بود که در اولین جنگ قریش با پیامبر، معروف به جنگ «بدر» شرکت کرد و با فداکاری و کشتن ۳۵ تن از هفتاد کشته‌سپاه دشمن، نشان داد که در شجاعت و فنون رزمی نیز چون علم و دانایی، سرآمد روزگار خود است. (۱۱)

در سال دوم هجرت و پس از بازگشت از نبرد بدر، در ماه رمضان، به

علی چنین پاسخ داد: مرا در یاری احمد به شکیبایی می‌خوانی؟ به خدا، آنچه گفتم از سر ترس نبود. من دوست می‌دارم یاری مرا ببینی و بدانی. من پیوسته فرمانبردار تو هستم. من احمد را، که در کودکی و جوانی ستوده است، برای خدا یاری می‌کنم. (۹)

بر اساس همان ایمان راستین به اسلام و باور عمیق نسبت به رسالت پیامبر بود که او از هفته نایبست سالگی همراه سایر بنی‌هاشم در شعب ابوطالب و در محاصره اقتصادی به سر برد و پس از پایان محاصره، با مرگ پدرش ابوطالب، نه تنها کم‌ترین تردیدی در مورد حمایت از پیامبر به خود راه نداد، بلکه بر میزان آن افزود و در «لیلة المییت» (۶۱۸ م) که قریب ۲۳ سال از عمرش می‌گذشت، خود را سپر بلای پیامبر قرار داد و در بستر وی خوابید تا توطئه مسلحانه دشمن برای قتل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را نشانه رود.

علی رضی الله عنه در هفتم ربیع الاول (۳۱ شهریور) سال اول هجرت با مادرش فاطمه بنت اسد، فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله - که بعدها همسر او شد - و فاطمه دختر زبیر بن عبدالمطلب (دختر عمویش) از مکه به مدینه هجرت کرد و این در حالی

حادثه دیگری در زندگی علی علیه السلام رخ داد و آن تولد اولین فرزندش حسن مجتبی علیه السلام بود. یک سال از این حادثه نگذشته بود که فرزند دوم وی حسین سیدالشهدا علیه السلام در سوم یا پنجم شعبان سال چهارم زاده شد و امام علی علیه السلام در این زمان ۲۶ سال و ۲۳ روز عمر کرده بود. در همین سال، اوبه سوگ مادر ارجمندش نشست. پیامبر خود با پیرانش او را کفن کرد و بر او نماز گزارد و او را به نیکی ستود و به عنوان مادرش یاد کرد. (۱۵)

از وقایع دیگر این سال می‌توان به پیکار یهودیان «بنی‌نضیر» اشاره کرد که پس از شکستن پیمان صلح، قصد کشتن پیامبر کردند. پیامبر در ماه ربیع‌الاول، به مدت ۱۵ روز آنان را محاصره کرد و در روز اول محاصره، تیری از سوی آنان آمد و بر خیمه اصابت کرد. معلوم شد کسی قصد جان پیامبر را داشته است. شبانگاه علی علیه السلام ناپدید شد. به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند، فرمود: «او خواهد آمد.» دیری نپایید که علی علیه السلام آمد و سر مردی یهودی به نام عزوراء را در دست داشت. پرسیدند: چه خبر است؟ فرمود: او را دیدم که با گروهی از یارانش در حال

خواستگاری فاطمه، عزیزترین یادگار پیامبر، رفت و پس از دریافت جواب مثبت، با وی ازدواج کرد. این نقطه عطفی در زندگی او به حساب می‌آید. علی علیه السلام در همه غزوات پیامبر، جز جنگ «تبوک» شرکت جست و کم‌ترین کوتاهی نسبت به نشر اسلام و اعتلای کلمه توحید و صیانت از رسالت روا نداشت. (۱۲)

آن حضرت از نیمه سؤال تا اول ذیقعدة سال دوم هجرت، قبیله یهودی بنی‌قینقاع را - که پیمان با پیامبر را شکسته، به زن مسلمانی توهین روا داشته و پیامبر را به تمسخر گرفته بودند - محاصره کرد و آنان را به تسلیم واداشت. آنان سپس به «اذرعات» شام تبعید گردیدند. (۱۳)

در جریان جنگ «احد» در ۱۵ سؤال سال سوم هجری (۱۳ فروردین) که تن از یازده پرچمدار معروف قریش را از پای درآورد و چنان رزمید که شمشیرش شکست و پیامبر شمشیر خود، «ذوالفقار» را بدو داد و فرمود: ای علی، این جبرئیل است که میان زمین و آسمان فریاد می‌زند: «همانا هیچ جوانی همچون علی و هیچ شمشیری مانند ذوالفقار نیست.» (۱۴)

در ۱۵ رمضان سال سوم هجری،

است.» (۱۷)

پس از این نبرد، به حساب قبیله یهودی «بنی قریظه»، که پیمان شکنی کرده بودند، رسید. او در تسلیم و تنبیه آن قبیله نقش بی بدیلی ایفا کرد و در سال ششم هجری در سریه‌ای بر تیره‌ای از بنی اسد تاخت و پس از شکست آنان در منطقه «فدک»، با غنایم فراوان بازگشت. (۱۸)

او در جنگ‌های گوناگون درگیر بود و نقش نخست را در بسیاری از آن‌ها بر عهده داشت؛ چنان‌که در جنگ «خیبر» پس از هزیمت ابوبکر بن ابی قحافه و عمر بن الخطاب و عدم توفیق آن‌ها در فتح، پیامبر فرمود: «فردا عَلم را به دست کسی می‌دهم که خدا و رسولش او را دوست دارند و او نیز آن دو را دوست می‌دارد.» این جمله وسوسه فراوان سران مسلمان را برانگیخت و هر یک خود را آماده می‌کرد تا چنین افتخار بزرگی نصیبش شود. سرانجام، هنگامی که زمان موعود فرا رسید، رسول خدا ﷺ امام علی را طلبید و او را روانه کارزار با یهودیان خیبر نمود. او چنان پیروزی درخشانی به دست آورد که همه مسلمانان و یهودیان بسی اختیار انگشت حیرت گزیدند؛ بزرگ‌ترین قهرمانان یهود، حارث و

شناسایی و نفوذ به اردوگاه مسلمانان بود. او همان کسی بود که قبلاً بر خیمه پیامبر ﷺ تیر انداخته بود. او از پیامبر کمک خواست و آن حضرت ده تن از مسلمانان را در اختیار او قرار داد و زمانی سپری نشد که سر ده تن از همراهان عزوراء را بریده، نزد پیامبر آورد. این حادثه به تنهایی، درک بالای نظامی، شجاعت و فداکاری آن بزرگوار را به نمایش می‌گذارد. (۱۶)

وصی رسول خدا ﷺ در سن ۲۷ سالگی در جنگ «خندق» حضور یافت و در زمانی که نامداران معروف عرب، به ویژه عمرو بن عبدود، با عبور از خندق و خواندن رجزهای حماسی و مبارز طلبیدن، نفس‌ها را در سینه حبس کرده بودند و پیامبر سه بار مسلمانان را به مبارزه با او دعوت کرد، تنها او بود که هر بار به خواست پیامبر لَبیک گفت و پس از اذن پیامبر، در یک پیکار نفس‌گیر و بی نظیر، سر او را از تن جدا نمود و بدین وسیله، خطر عظیمی را از اسلام و مسلمانان دفع کرد و در سایه این رشادت و جان‌بازی، این افتخار را یافت که پیامبر فرمود: «ضربت علی ﷺ در روز خندق، از عبادت تمام قوم تا روز قیامت برتر

مرحب را به قتل رسانید و دژهای یهودیان را یکی پس از دیگری فتح کرد. (۱۹)

### علی علیه السلام: شهر علم

با این همه، او پس از فراغت از پیکار، فرصت را از دست نداده، در فراگیری انواع دانش، به ویژه علوم اسلامی، فروگذاری نمی‌کرد؛ چنان‌که خود می‌فرماید: «هر روز و هر شب بر آن حضرت وارد می‌شدم. ایشان در این اوقات با من خلوت می‌کرد. در همه جا همراه او بودم. اصحاب رسول خدا می‌دانند که پیامبر با هیچ‌کس این‌گونه رفتار نمی‌کرد. این دیدارها گاه در خانه من بود و رسول خدا نزد ما می‌آمد. بیش‌تر این دیدارها در خانه من بود. این‌گونه بود که هنگامی که به خانه‌ای از خانه‌های ایشان وارد می‌شدم، با من خلوت می‌کرد و همسرانش را از مجلس ما دور می‌کرد و کسی جز من نزد او نبود. آن‌گاه که ایشان برای خلوت با من به خانه من می‌آمدند، فاطمه و فرزندانم نیز در کنار من بودند. هنگامی که من می‌پرسیدم، پاسخ می‌دادند و آن‌گاه که سکوت می‌کردم و پرسش‌هایم تمام می‌شد، ایشان خود شروع به سخن

می‌فرمود.» (۲۰)

بر اساس همان ارتباط پایدار و همه‌جانبه امام علی علیه السلام با پیامبر و فراگیری فوق‌العاده انواع علوم اسلامی از آن حضرت بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله بنا بر نقل فریقین فرمود: «من شهر دانش هستم و علی دروازه آن است. هر کسی می‌خواهد وارد آن شهر گردد، باید از طریق باب آن داخل شود.» (۲۱)

در برخی نقل‌ها آمده است: «هر کسی در پی دانش باشد، باید توسط علی آن را پی بگیرد» و در مورد دیگر فرمود: «علیٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يُدَوِّرُ حَيْثُمَا دَارَ عَلِيٌّ» که این به روشنی گویای اسلام‌شناسی بی‌نظیر آن حضرت و پایداری همیشگی‌اش بر آن است که صراط حق می‌باشد. در اواخر سال دهم هجرت و پس از پایان آخرین حج، که به «حجة الوداع» معروف شد، پیامبر همه مسلمانان همراه را در منطقه «غدیر خم» نگه داشت و در حضور همگان، یک بار دیگر و برای همیشه و آخرین بار، جانشین خود را اعلام نمود و فرمود: «هر که را مولا منم این علی مولاى اوست. خداوندا، دوستان او را دوست بدار و دشمنانش را خصم بشمار...» (۲۲)



امیرالمؤمنین علیه السلام؛ مشاور بلند پایه و

### عالم یگانه

شاید تا هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان مسلمانان بود، زمینه پذیرش و درک واقعی شخصیت علمی امام علی علیه السلام فراهم نشده بود و مسلمانان به عمق حدیث شریف نبوی، که امام علی علیه السلام را باب مدینه العلم شمرده بود، نرسیده بودند. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و بروز حوادث و رخداد‌های گوناگون بود که مرجعیت یگانه علمی امام علی علیه السلام بر همگان ثابت گردید و حتی برخی که در آغاز معتقد بودند دانش یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به سه صحابه او رسید؛ عمر، علی و عبدالله، به زودی مشاهده کردند که دانش هیچ کس با امام علی علیه السلام قابل مقایسه نیست. سرآمدان علوم اسلامی بدین واقعیت بی پرده، اعتراف نموده‌اند. عمر هم خود اقرار نمود: «علی علیه السلام آقضان!»؛ علی در قضاوت سرآمد همگان است و بر اساس همین سرآمدی در قضاوت، که نشانگر برجستگی و بی‌مانندی علی علیه السلام در حدش بود، عمر بارها اعتراف کرد: «لولا علی علیه السلام لهلك عمر»،<sup>(۲۳)</sup> و سعید بن مسیب گفت: «هیچ فردی در میان صحابه رسول خدا سراغ ندارم که مانند علی گفته

باشد: "هر چه می‌خواهید از من بپرسید."<sup>(۲۴)</sup>

ابن مسعود، که مقام بلندی در میان مسلمانان از لحاظ دانش داشت، چنین اعتراف می‌کند: «ما همواره گفته‌ایم که علی داناترین قاضی اهل مدینه است.»<sup>(۲۵)</sup> ابن مسیب در جای دیگر اظهار می‌دارد: «ما به خدا پناه می‌بریم که معضله و شبهه علمی در میان ما به وجود آید و امام علی در جمع ما نباشد.»<sup>(۲۶)</sup>

ابن عباس، که به «جرامق» معروف و از دانشمندان مورد اتفاق مسلمانان است، می‌گوید: «هر گاه فردی مورد اطمینان فتوای علی را برای ما نقل کند، ما از آن عدول نمی‌کنیم و فقط بدان فتوا می‌دهیم و عمل می‌کنیم.»<sup>(۲۷)</sup>

احمد حنبل هم اشاره می‌کند که هیچ‌یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به اندازه امام علی علیه السلام به قضاوت نپرداخته است.<sup>(۲۸)</sup>

علی علیه السلام؛ جامع علوم گوناگون و

### مختص عرصه‌های مختلف

با بررسی تاریخ اسلام و حیات امیرمؤمنان، به وضوح معلوم می‌گردد که آن حضرت در عرصه‌های گوناگون علوم

که به صورت صریح و یا به گونه تلویح به قرآن اشاره نکرده باشد؛ چنان که در جایی می‌فرماید: «کتاب خداوند در میان شما سخنگویی است که هیچ‌گاه زبانش از حق‌گویی خسته نمی‌شود و خانه‌ای است که ستونش هرگز فرو نمی‌ریزد و قوه‌ای است که یارانش شکست نمی‌پذیرند.» (۳۱) او - همان‌گونه که اشاره شد - چنان با پیامبر نزدیک بود که طنین وحی را به گوش جان می‌شنید. به دلیل قرآن‌شناسی و قرآن‌مداری‌اش به حق، به عنوان «قرآن ناطق» شهرت یافته بود و سرانجام، در راه قرآن و برای آن به شهادت رسید؛ چنان‌که پیامبر فرموده بود: «در میان شما اصحاب، کسی است که برای تأویل قرآن می‌رزد؛ چنان‌که من برای تنزیل آن مبارزه نمودم.» ابوبکر پرسید: آن کس منم؟ پیامبر پاسخ داد: نخیر. عمر گفت: آن کس منم؟ رسول خدا فرمود: نه. سپس به علی علیه السلام اشاره نمود و فرمود: «آن کسی که کفش خود را رفو می‌کند» و امام علی علیه السلام در آن حال، کفش خود را رفو می‌کرد. ذهبی می‌افزاید: خوارج، که قرآن را با رأی و جهل خویش به تأویل می‌بردند، با علی جنگیدند و سرانجام، او را به شهادت رساندند. (۳۲)

اسلامی به خوبی ظاهر شد و مثالی بی‌بدیل از خود به یادگار گذاشت. یکی از این عرصه‌ها، که به اعتراف منابع اهل سنت، برجستگی امام علی علیه السلام را در میان اصحاب نشان می‌دهد، علوم و معارف قرآن مجید است؛ چنان که ذهبی نقل می‌کند: «علی علیه السلام می‌گفت: به خدا سوگند، هیچ آیه‌ای از قرآن مجید فرود نیامده، جز آن‌که من می‌دانم برای چه منظوری و در کجا و در شأن چه کسی نازل شده است و همانا خداوند به من عقل و زبان گویا بخشیده است.» (۲۹) از این‌رو، وی پس از رحلت پیامبر، بی‌درنگ به جمع‌آوری قرآن و تنظیم آن پرداخت و در این امر، چنان اشتغال ورزید که جز برای ادای نماز از آن باز نماند. مسلمانان چنین نظر دارند که آن حضرت قرآن را بر اساس شأن نزول جمع‌آوری و مرتب نمود و اگر آن قرآن به دست ما می‌رسید، در دانش بی‌بدیل بود. (۳۰)

وی به دلیل ایمان ژرف و پایدار و دانش گسترده و استوار به قرآن، همواره در قضاوت‌ها و خطبه‌ها از آن بهره می‌جست و در مقام پاسخ‌گویی به شبهه، به آیات استناد می‌کرد. کمتر خطبه، نامه و کلمات قصار آن حضرت را می‌توان یافت

یاد آورید نیکی و زشتی احوال آنان را و پرهیزید که در ردیف آنان درآیید!...» (۳۵) او در میدان سیاست و اجتماع نیز کارشناس‌ترین فرد پس از پیامبر بود. از این‌رو، خود در پاسخ نیرنگ‌های معاویه، که برخی از مسلمانان آن را سیاست و زیرکی تلقی می‌کردند، فرمود: «به خدا قسم، معاویه زیرک‌تر از من نیست؛ نه، او اهل خیانت و جور است. اگر زشتی خیانت مطرح نبود، من از زیرک‌ترین مردم بودم.» (۳۶)

افزون بر این، پیش‌بینی‌های وی در مورد امت اسلامی، خاندان اموی، آینده کوفه و تحلیل شرایط و اوضاع زمان خودش به روشنی حکایتگر زیرکی و دانایی او در سیاست و اجتماع است. (۳۷) نامه‌های سیاسی او در زمان خلافتش به استانداران و فرماندهان، به ویژه نامه وی به مالک‌اشتر، گواه دیگری بر این ادعاست.

یکی از ابعاد مهم علمی امام علی علیه السلام آگاهی بی‌مانند او از احادیث و سیره نبوی است. او با روابط تنگاتنگ و بی‌نظیری که با پیامبر صلی الله علیه و آله داشت، در سایه دانش‌اندوزی، حکمت‌خواهی و ایمان‌مداری، بیش‌ترین احادیث را از

آن حضرت طبق احادیث متعدد و گزارش‌های تاریخی، در مباحث عمده دین‌شناسی به گونه‌ای مستدل با یاری جستن از عقل و استدلال‌های عقلی وارد شده است؛ خطبه‌های متعدد *نهج البلاغه*، به ویژه آن دسته از خطبه‌ها که در مورد توحید، عدل، معاد، امامت و نبوت است، بزرگ‌ترین شاهد بر تسلط فوق‌العاده وی بر این دسته از مباحث بنیادین می‌باشد که امروز تحت عنوان «علم کلام» از آن‌ها یاد می‌شود. (۳۳)

او به تاریخ علاقه‌مند بود و آن را با تعمق و دیدگاه ویژه و با عنایت به فلسفه آن مورد مطالعه قرار داده و به دیگران نیز فراگیری و اندیشیدن درباره آن را توصیه کرده است. وی از تاریخ و فرازهای گوناگون آن، همچون حالات اقوام و پیامبران گذشته و حوادث دیگر در خطبه‌های خود سود می‌جست و برای تبیین وضعیت موجود و حتی پیش‌بینی آینده امت اسلامی، به خوبی از آن‌ها بهره می‌برد و تأکید می‌نمود: «عبرت بیاموزید از مصایب امت‌های متکبری که پیش از شما زیستند.» (۳۴) «بر حذر باشید از بلاهایی که برای امت‌های پیشین به دلیل اعمال بد و افعال زشت نازل شد. پس به

حجم آن را به قدر یک شتر دو کوهانه و عرض را در اندازه یک پوست دباغی شده گزارش نموده‌اند. از این اثر به عنوان کتاب علی نیز یاد شده است. (۳۸)

۲. صحیفه امام علی که در آن احکامی متفاوت و اختصاصی‌تر از آنچه در جامعه گفته شد، از پیامبر شنیده و نگارش کرده است. (۳۹)

۳. الملاحم یا صحیفه الدولة کتاب دیگری است که امام علی علیه السلام از زبان پیامبر و با املائی آن حضرت، درباره حوادث پس از رحلت وی و رویدادهای بعدی به خامه خود نگاشته است. (۴۰)

۴. مصحف امام علی - چنان‌که گذشت - امام علی علیه السلام در آن قرآن مجید را بر اساس شأن نزول آیات جمع‌آوری کرده بود و به اعتراف عالمان اهل سنت، از ارزش فراوانی برخوردار بوده است. (۴۱)

۵. کتاب جعفر و دیوان شعر از آثار دیگری است که به آن حضرت منسوب می‌باشد. (۴۲)

۶. بخش دیگری از آثار امام علی علیه السلام مربوط به ادعیه و اوراد است که آن را برای ارتباط با خدا و مناجات با پروردگار آموزش داده و یا آن‌ها را عملاً پس از ادای فرایض و یا ایام رمضان و مناسبت‌ها

پیامبر شنید و یکی از عوامل تضادهای فراوان و فتواهای مشکل‌گشای وی در طول حیات، همین جنبه آگاهی او از حدیث بود و بیش‌ترین آثاری که از او باقی مانده به گونه مستقیم و یا غیرمستقیم در صدد بیان احادیث و سیره پیامبر است و تسلط بی‌بدیل او را به احادیث نبوی نشان می‌دهد.

امام علی علیه السلام در پهنه فصاحت و بلاغت، نه تنها در زمان خود یگانه بود، بلکه پس از او تاکنون نیز در فصاحت و بلاغت، کسی را مانند او دنیا به خود ندیده و نامیدن برخی از گفتار و نوشته‌های وی تحت عنوان نهج البلاغه نشان بی‌مثالی آن بزرگوار در وادی فصاحت و بلاغت است.

در مجموع، در مدت پر حادثه عمر خویش، آثاری خلق کرد و آن‌ها را به جامعه اسلامی عرضه داشت که با کاوش منابع گوناگون، می‌توان این آثار را از آن او دانست و یا بدو منسوب کرد:

۱. کتاب جامعه که بنا بر روایت ابوبصیر، امام علی علیه السلام در آن احکام اسلامی را از زبان پیامبر نوشته و حاوی مسائل حلال و حرام در موضوعات گوناگون و چه بسا جزمی بوده است که

گونگون، اکنون تنها پنجاه حدیث صحیح از ایشان در منابع اهل سنت نقل شده است. (۴۶)

احادیث و روایاتی که از آن حضرت نقل شده و در کتب و منابع گوناگون پراکنده‌اند، در این اواخر، پس از تحقیق و تنظیم در یک مجموعه دو جلدی تحت عنوان مسند الامام علی علیه السلام جمع‌آوری شده‌اند که جمعاً قریب ۱۴۵۰ حدیث در آن آمده است. (۴۷)

امام علی علیه السلام راویان و شاگردان فراوانی را تربیت کرده و به جامعه اسلامی تحویل داده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان حسن بن علی، حسین بن علی، محمد بن حنفیه، عمرو بن علی، فاطمه بنت علی، جعفر بن هیبره مخزومی، عبدالله انصاری، ابورافع، و اسامه بن زید را نام برد. در منابع رجالی، تعداد راویان امام علی علیه السلام را، که جزو اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بوده‌اند، ۶۶ نفر و راویان شاگردان آن حضرت را که در شمار تابعان بوده‌اند، ۱۸۰ نفر ذکر کرده‌اند. (۴۸)

کتاب‌ها و رساله‌هایی که شاگردان و اصحاب مهم آن حضرت از سخنان و نقل حدیث وی جمع کرده‌اند و یا به صورت

و شرایط ویژه بر زبان آورده است. (۴۳)  
مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: دعای کمیل، دعای توسل، دعای ابوحمزه ثمالی، صباح، جوشن و غیر آن‌ها. (۴۴)

از میان آثار به جای مانده از امام علی علیه السلام مشهورتر از همه، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار آن حضرت (حکمت‌ها) است که تحت عنوان نهج البلاغه گردآوری شده و در قرن چهارم، توسط یکی از علمای بزرگ امامیه به نام سید رضی (۳۹۵ - ۴۰۶ ق) تنظیم گردیده و از آن پس، این اثر نفیس و گنجینه بی‌پایان مورد بهره‌برداری فراوان علمی - ادبی دانشمندان قرار گرفته و تعدادی از عالمان شهیر شیعه و سنی به تحقیق آن پرداخته و بر آن شرح و تفسیر نوشته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به شرح محمد عبده، ابن ابی الحدید، قطب راوندی، محمدتقی جعفری، محمد دشتی و تحقیق ارزشمند استاد شهید مطهری اشاره کرد. (۴۵)

احادیث فراوان نبوی از امام علی علیه السلام نقل شده‌اند که با توجه به پیوند بسیار نزدیک امام با پیامبر، بنا بر اقرار عالمان اهل سنت، تعداد این احادیث دست کم دوازده هزار حدیث است. اما به دلایل

قیام الحجة بوجود الناصر» به خلافت رسید و در طی دوران کوتاه خلافت، از تلاش‌های علمی و فرهنگی در کنار فعالیت‌های سیاسی و جنگ‌های نظامی باز نماند<sup>(۵۰)</sup> و سرانجام، در بیست و یکم رمضان سال ۴۰ ق در مسجد کوفه به دست عبدالرحمان بن ملجم مرادی، که از خوارج بود، به شهادت رسید و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. / م

املائی آن بزرگوار نگارش کرده‌اند، بخش دیگری از جلوه‌های علمی و آثار بازمانده اسلامی او به شمار می‌روند. مشهورترین آثار برجای مانده با املائی امیرالمؤمنین علیه السلام عبارتند از:

۱. القضايا والاحكام، تألیف بریرین خضیر همدانی شرقی (شهید عاشورا)؛
۲. السنن والاحكام والقضايا، تألیف ابورافع ابراهیم بن مالک انصاری (م ۴۰)؛
۳. قضايا امیرالمؤمنین، تألیف عبدالله

بن ابی رافع؛

۴. کتابی در فنون فقه، تألیف علی بن

ابی رافع؛

۵. کتابی در نکات حیوانات، تألیف

ربیع بن سمیع؛

۶. کتاب میثم بن یحیی تمّار کوفی (م

۶۰)؛

۷. کتاب الادیات، تألیف ظریف بن

ناصر و... که در برخی، منابع به نام‌ها و عناوین دیگر یاد شده‌اند. (۴۹)

امام علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله (سال یازدهم) تا سال ۳۶ به

عنوان بزرگ‌ترین مرجع علمی و دینی، به

فعالیت‌های علمی و مشورتی و فرهنگی

اشتغال داشت و در سال ۳۶ به گفته

خودش، به دلیل «لولا حضور والحاضر و

#### پی‌نوشت‌ها

۱. احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آینی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر، ج ۲، ص ۷۴ / محمد بن جریر الطبری، تاریخ الامم و الملوك (تاریخ طبری)، بیروت، الاعلمی، ج ۴، ص ۱۱۷ / ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالفکر، ج ۳، ص ۳۹۱۱ / الشیخ المفید، الارشاد، قم، بصیرتی، ص ۱۲
۲. امین الاسلام الطبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، تصحیح علی اکبر الغفاری، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۹ ق، ص ۱۹۵. از القصاب دیگر آن حضرت می‌توان به «فائد العزّ المحجلین» و «سید الاوصیاء» اشاره کرد.
۳. ابوالفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبیین، تحقیق سید احمد جفر، قم، اسماعیلیان، ۱۹۷۰، ص ۲۵.
۴. الشیخ المفید، پیشین، ص ۱۲.
۵. نهج البلاغه، خطبة ۱۹۲ (القاصعة).
۶. همان، خطبه ۱۳۹ / ابن هشام، السیرة النبویه، تحقیق مصطفی السقاء و دیگران، مصر، مطبعة البابی

- الحلی، ۱۳۵۵ ق، ص ۲۶۲.
۷. محمد بن جریر طبری، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۱۸-۲.
۸. همان.
۹. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغہ، ج ۱۴، تحقیق محمد ابو الفضل ابراہیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۶۴.
۱۰. ابن ہشام، پیشین، ج ۲، ص ۱۲۹ / محمد بن جریر طبری، پیشین، ج ۲، ص ۱۰۶ / احمد بلاذری، انساب الاشراف، تحقیق و مقدمہ الذکرتور سہیل زکار والذکرتور ریاض، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۴۶.
۱۱. یوسف المزی، تہذیب الکمال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳، ج ۲۰، ص ۴۸۴.
۱۲. همان، ص ۴۸۴ / علی بن الحسین المسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۲۸۸ / سبط بن جوزی، تذکرۃ الخواص، مقدمہ السید محمد صادق بحر العلوم، تہران، مکتبۃ نبوی الحدیث، ص ۲۷۵.
۱۳. محمد بن جریر طبری، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۳ / ابن ہاشم، پیشین، ج ۳، ص ۱۰۶.
۱۴. ابو الحسن الاربلی، کشف الغمۃ فی معرفۃ الأئمہ، تعلیق السید ہاشم الرسولی، تبریز، بی نا، ج ۱، ص ۱۹۳ / الشیخ المفید، پیشین، ج ۱، ص ۱۹.
۱۵. امین الاسلام الطبری، پیشین، ص ۲۰۵ و ۲۱۳ / ابو الفرج الاصفہانی، پیشین، ص ۸۴ / سبط بن جوزی، پیشین، ص ۲۱۰.
۱۶. محمد بن جریر طبری، پیشین، ج ۲، ص ۶-۲۳۳ / الشیخ المفید، پیشین، ج ۱، ص ۹۲-۹۴.
۱۷. ابو الحسن الاربلی، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۰ / ابن ہشام، پیشین، ج ۳، ص ۲۲۴-۲۴۱.
۱۸. محمد بن جریر طبری، پیشین، ج ۲، ص ۴-۲۵۳.
۱۹. همان، ج ۲، ص ۳۰۲-۳۰۳ ابن ہشام، پیشین، ج ۳، ص ۵۵-۲۴۲ / الشیخ المفید، پیشین، ج ۱، ص ۱۲۵.
۲۰. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارصعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱، ص ۶۲.
۲۱. احمد بن محمد الحسنی المغربی، فتح الملک العلی بصرۃ حدیث باب مدینۃ العلم علی، تحقیق و ... محمد ہادی الامینی، اصفہان، مکتبۃ الامام امیرالمؤمنین، ۱۴۰۳، ص ۲۲-۲۳.
۲۲. همان، ص ۲۴.
۲۳. عبدالحسین الامینی النجفی، الغدیر فی کتاب و السنۃ و الادب، تہران، دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۷۸ و ج ۱، ص ۵۷ / سیدجعفر شہیدی، علی از زبان علی یا زندگانی امیرمؤمنان علیؑ، تہران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۳۰.
۲۴. شمس الدین محمد ذہبی: تاریخ الاسلام و فیات المشاہیر و الاعلام، تحقیق الذکرتور عمر عبدالسلام تدمری، ج ۳، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷، ص ۶۳۸ / مہدی فقہ ایمانی، الامام علی فی آراء الخلفاء، ترجمۃ یحیی کمالی البحرانی، قم، مؤسسۃ المعارف الاسلامیہ، ۱۴۲۰، ص ۱۲۱.
۲۵. همان
۲۶. همان
۲۷. همان
۲۸. همان
۲۹. شمس الدین ذہبی، تاریخ الاسلام و طبقات المشاہیر و الاعلام، ج ۳، ص ۳۷ / ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۳۸ / احمد بن عبداللہ الاصبہانی، حلیۃ الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۱، ص ۸-۶۷.
۳۰. همان.
۳۱. نہج البلاغہ، تصحیح محمد دشتی، خطبہ ۱۳۳.
۳۲. همان، ص ۶۴۲.
۳۳. برای توضیح بیش تر رک: دانشنامہ امام علی، تہران، پژوهشگاہ فرهنگ و اندیشہ اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱ تا ۳.
۳۴. محمد مہدی شمس الدین، حرکتہ التاریخ عند الامام علی، تہران، بنیاد نہج البلاغہ، ۱۴۰۵، ص ۱۰۸.

۱۰۹. افزون بر آن، رساله‌ای تحت عنوان: «السيرة النبوية» که ارجوزه و به زبان نظم سروده شده، به امام علی علیه السلام منسوب است که موضوع آن در مورد سیره پیامبر و تاریخ وی می‌باشد. (آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۲۸۱)
۳۵. همان.
۳۶. نهج البلاغه، خطبة ۱۹۸ / ابو جعفر اسکافی، المعیار و الموازنه، تحقیق محمدباقر محمودی، بی تا، بی تا، ۱۴۰۲، ص ۱۶۶.
۳۷. نهج البلاغه، ر.ک: خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار مربوط به بنی امیه، مردم عراق، شام و تحلیل اوضاع جامعه در زمان تصدی خلافت و مهم‌تر از همه، نامه‌های وی به استناداران و کارگزاران سیاسی در حکومتش، به ویژه مالک اشتر.
۳۸. محمدحسن حرّ عاملی، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۶، ص ۲۱۲ / آقا بزرگ تهرانی، پیشین، ص ۱۱۹.
۳۹. علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، بیروت، دارصعب، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۷۲ - ۸۸.
۴۰. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۰۳، ج ۲۸، ص ۷۳ / دانشنامه امام علی، ج ۱۱، ص ۹۳ - ۹۴.
- ۴۱، ۴۲، ۴۳. شمس الدین الذهبی، پیشین، ج ۳، ص ۶۳۷ / ابن سعد، پیشین، ج ۲، ص ۳۳۸ / احمد بن عبدالله الاصبهانی، ج ۱، ص ۸ - ۶۷ / معجم اشعار المعصومین الواردة فی بحارالانوار، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷.۴۳؛ آقا بزرگ تهرانی، پیشین، ج ۹، قسمت اول، ص ۱۰۱؛ ج ۵، ص ۱۲۱ و ج ۶، ص ۳۸۱.
۴۴. آقا بزرگ تهرانی، پیشین، ج ۸، ص ۱۸۸ و ص ۱۹۰ و ۱۹۳. قسمت عمده ادعیه مأثوره از آن
- حضرت در کتاب ارزشمند مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی آمده است.
۴۵. معروف‌ترین شرح برای نهج البلاغه توسط یکی از دانشمندان اهل سنت به نام «ابی ابی الحدید» نوشته شده و بهترین تحقیق درباره شناسایی ویژگی‌های نهج البلاغه و معرفی آن توسط استاد شهید مطهری تحت عنوان، سیری در نهج البلاغه صورت گرفته که از زمان چاپ تاکنون بیش از ۱۲ بار تجدید چاپ شده است.
۴۶. محمود ابوریه، اضاء علی السنّة المحمدیه، چاپ پنجم، قاهره، دارالمعارف، ص ۲۰۴.
۴۷. السيد حسن القبانجی، مسند الامام علی، تحقیق الشیخ طاهر اسلامی، بیروت، مؤسسه الاعلی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱ - ۱۰.
۴۸. یوسف المرزی، تہذیب الکمال، ج ۲۰، ص ۹ - ۴۳۷ / دانشنامه امام علی، ج ۱۱، ص ۱۳۳ - ۱۴۱.
۴۹. آقا بزرگ تهرانی، پیشین، ج ۲، ص ۱۵۹ / مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱، نجف، مرتضویه، ۱۳۵۲ ق، ص ۱۶۷ / محمد بن حسن طوسی، الفهرست، تحقیق جواد القیومی، قم، نشر الفقاهه، ص ۱۳۷ و ۸۶.
۵۰. بخش عمده‌ای از مجموعه نفیس نهج البلاغه، بخصوص خطبه‌ها و نامه‌ها، مربوط به این دوران است.